

KAFISHOT

אפוקליפסה





حسین
کریمزاده

مدیر وبسایت
@hosseinkarimzadeh.art



انوشه
صادقی آزاد

طراح گرافیک
@anooshehsa



حسن
کریمزاده

مدیر هنری
@hassanland



نادر
داودی

سر دبیر
@naderdavoodi



شهریور ۱۴۰۴



STORY MATTERS

ART | FOOD | LIFE | STYLE

دانلود رایگان تمام شماره‌های کافی‌شات
از طریق زبان‌هی پستو ممکن است.

مطالب خود را به صفحه‌ی اینستاگرام کافی‌شات پیشنهاد دهید.
نوشته‌ی شما نباید بیشتر از ۱۰۰ کلمه باشد.

با تشکر از
افشین معماریان، هومن حمدان، مینا هاشمی، سمیرا هاشمی



HIGH.GRAPHIC STUDIO

^03

کافه

24

6

سرمقاله

معماری

26

7

داستان

پرو فایل

36

9

توسعه

کافه

41

11

گزارش جلد

فوتبال

43

18

زندگی

تاریخ

55

20

گرافیک

فیلم و سریال

57

22

توسعه

G





KITCHEN ROSE
isn't a product, It's a Lifestyle

Instagram icon
[@kitchenrose.co](https://www.instagram.com/kitchenrose.co)

elgado



پودر قهوه فوری

3in1
CLASSIC

آینده!

نادر داودی

📷 naderdavoodi

آینده‌ی ایران، چنان قالی هزارگره، نیازمند دستانی است که هم به نقش گذشته آگاه باشند و هم جسارت بافتن طرحی نو را داشته باشند. باید روایت‌ها را از زیر غبار سانسور بیرون کشید، به کلمات دوباره بال داد و بر سفره‌ی گفت‌وگو نشست، حتی اگر نانش تلخ باشد. عشق به خاک را با عقل بیدار و نقد بی‌پروا درآمیزیم، تا اسطوره‌ها جای تازیانه را به الهام دهند. آن‌گاه، ایران نه در موزه‌ی خاطرات که در خیابان‌های فردا زندگی خواهد کرد، جایی که آینده‌ها، به جای ترس، شجاعت را بازمی‌تابانند.

واکنش و پاسخ

سارا اسفندیاری



سارا: داشتم فکر می‌کردم چرا تو بعضی کشورها مردم همیشه تو استرس و بحران. انگار هیچ‌وقت آرامش ندارند.

آرش: آره، اون به خاطر یه روش معروف تو نظام‌های تمامیت‌خواهه. دائم مردم رو تو حالت نگرانی نگه می‌دارن، سیستم عصبی‌شون رو تحریک می‌کنن.

سارا: یعنی مغز آدم نمی‌تونه تحلیل کنه یا حتی امیدوار باشه؟

آرش: دقیقاً! چون تو اون حالت، مغز فقط به خطر واکنش نشون می‌ده، نه اینکه تصمیم منطقی بگیره. اینجاست که سواد روانی مهم می‌شه.

سارا: یعنی آدم یاد بگیره چطور بدون این‌که یکسره واکنش نشون بده، پاسخ بده؟

آرش: دقیقاً! فرق بین واکنش و پاسخ همینه. بدون این‌که همیشه عصبی باشی، بتونی فکر کنی، استراحت کنی و انتخاب داشته باشی.

کهنگی

طاہر داودی

@ t.davoodi.3840

مانع اصلی این جاست، مثل همان بوی
کهنه‌ی نمور که از زیر زمینِ خانه‌ی اجدادی بالا
می‌آید و به سقف هم نفوذ کرده. همه عادت
کرده‌ایم به زندگی با آن، مثل سگ‌های ولگردی
که به گرسنگی خو کرده‌اند. هر روز وعده‌ها، هر



شب رویاهای پوسیده. کسی جرئت نمی‌کند پنجره را باز کند، مبادا باد تازه دیوار کج را فرو بریزد. در این هوای سنگین، آدم‌ها یاد گرفته‌اند خم شوند تا ضربه‌ی کمتری بخورند، و همین خم‌ماندن شده شکل طبیعی قامت‌شان. توسعه؟ در این خاک، تا بوی کهنگی را بیرون نکشیم، نه بهاری می‌آید، نه برگی می‌روید.



رئاليسم

حسين كريمزاده

📷 hosseinkarimzadeh.art

رئالیسم یا واقع‌گرایی یکی از جنبش‌های مهم هنری قرن نوزدهم بود که در واکنش به احساس‌گرایی و اغراق موجود در سبک رمانتیسیسم شکل گرفت. هنرمندان رئالیست معتقد بودند که هنر باید بازتابی صادقانه از زندگی روزمره و واقعیات اجتماعی باشد، نه دنیایی آرمانی یا خیالی.





نمایش زندگی روزمره، به‌ویژه زندگی طبقات پایین و کارگران، استفاده از رنگ‌ها و نور طبیعی، پرهیز از ایده‌آل‌سازی سوژه‌ها و تمرکز بر جزئیات دقیق و واقع‌گرایانه، از مشخصات نقاشی‌های سبک رئالیسم بود. این هنرمندان به جای اسطوره‌ها و مناظر رمانتیک، به سوژه‌های ساده و ملموس روی آوردند. گوستاو کوربه، پدر

رئالیزم، با آثاری چون سنگ‌شکن‌ها، چهره‌ای تازه از هنر به نمایش گذاشت.

ژان‌فرانسوا میله با تابلوهایی چون دروگران، زندگی سخت کشاورزان را ثبت کرد. اونوره دومیه نیز در کنار نقاشی، با کاریکاتورهای اجتماعی خود، پیام‌های سیاسی و اجتماعی





پررنگی را منتقل می‌کرد. ایلیا رپین نیز از نقاشان برجسته‌ی روسیه، با آثاری که زندگی مردم عادی را نشان می‌داد، شناخته می‌شود.

در مجسمه‌سازی رئالیسم، وفاداری کامل به آناتومی بدن انسان، نمایش احساسات و حرکات طبیعی و پرهیز از نمادگرایی اغراق‌آمیز، مورد توجه بوده است.

آگوست رودن شاید معروف‌ترین مجسمه‌ساز رئالیست باشد. آثار معروفش مثل متفکر و دروازه‌های دوزخ نمونه‌هایی از حس و پویایی واقع‌گرایانه هستند. ژان بابتیست کارپو - مجسمه‌ساز فرانسوی - با آثار پرتحرک و طبیعی مثل «رقص» و همچنین ایوان میس‌تروویچ



- آگوست رودن



— مجسمه‌ساز اهل کرواسی — با آثاری که تلفیقی از رئالیسم و بیان‌گرایی هستند، از مشهورترین مجسمه‌سازان رئالیست بودند. رئالیسم مسیر هنر را از خیال به واقعیت تغییر داد و پایه‌گذار نگاه‌های تازه‌تری در قرن بیستم شد.



سایه‌ی رویا

ملینا اخگر

📷 melinaakhgar



قانون مورفی، همچون سایه‌ای سرکش در
 لابه‌لای خیال ما می‌لغزد؛ نجوا می‌کند که اگر
 ذره‌ای شک داشته باشی به آمدن بدبختی، آن
 بدبختی، چون نقاشی‌ای که خودت کشیده‌ای
 سرانجام بر پرده‌ی واقعیت تو نقش می‌بندد.
 این قانون نه تهدید است، نه نفرین، بلکه
 حکایتی است از تسلیم ناخواسته‌ی ذهن به
 افکار تاریکش؛ جایی که ترس‌ها، مثل ارواحی
 که به دنبال میزبان می‌گردند، بی‌هیچ دعوتی
 خانه‌ات را پر می‌کنند. و تو، چه خواهی و چه
 نه، در این نمایش شوم، بازیگر و نویسنده‌ای
 هم‌زمان می‌شوی، که بدبختی را می‌طلبی و
 ناگهان می‌بینی، در گوشه‌ای از زندگی‌ات، همان
 بدبختی، صبورانه منتظر نشسته است.

زیان بصیری زیر آتش

علی قسمتی

qesmatiali



**WAR
SIMPLIFIES
FORMS**

جنگ، زبان گرافیک را ناگزیر ساده می‌کند. این سادگی نه از دل انتخاب زیبایی‌شناسانه، بلکه از دل فشار زمان و اضطراب روانی برمی‌خیزد. وقتی پیام باید فوری برسد، هر عنصر اضافی حذف می‌شود: رنگ‌ها تخت و پرکنتر است می‌شوند، جنبه‌ی تزئینی رنگ و فرم کنار می‌رود، فونت‌های بی‌زائده جای سریف‌ها را می‌گیرند، و اسلوگان‌ها به فرمان‌هایی کوتاه و صریح تقلیل می‌یابند.

این روند نتیجه‌ی اجبار است: طراح فرصت پالایش و تزئین ندارد. او درگیر جنگ است، هم از نظر عاطفی و هم از نظر زمانی، و همین وضعیت، بیانی مستقیم و بی‌پرده را تحمیل می‌کند.

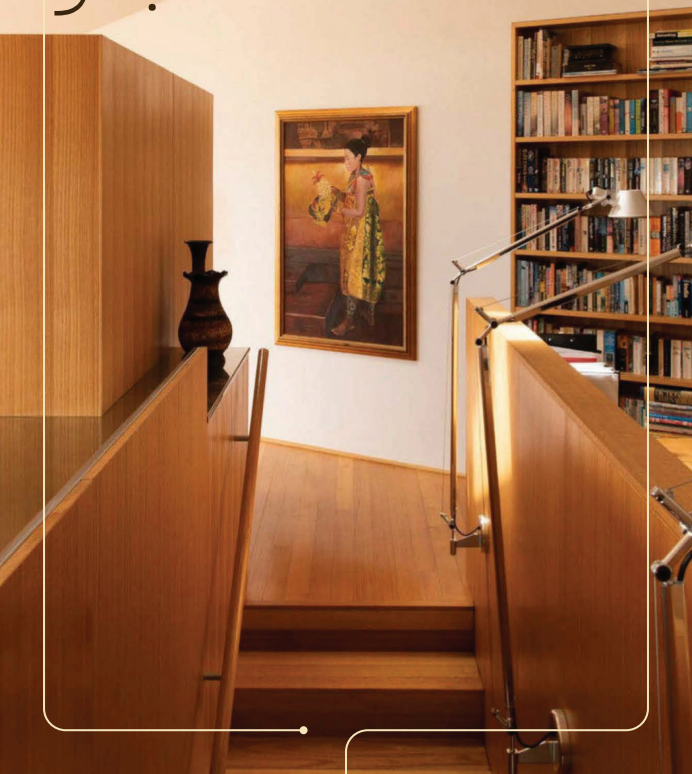
البته استثنا وجود دارد؛ بعضی حکومت‌ها عامدانه شکوه و تزئین را برای القای عظمت به کار می‌گیرند. اما قاعده‌ی کلی پابرجاست: جنگ فرم‌ها را می‌تراشد و زبان بصری را به شکلی فوری، کوبنده و بی‌واسطه فرو می‌کاهد.



نازیلا لباف

📷 nazillabaf

باغچه‌ی صبر





توسعه، چیزی شبیه باغچه‌ای است که سال‌ها کسی به آن نرسیده؛ اما اگر کمی صبر داشته باشی، هنوز می‌توانی بوی خاک تازه را حس کنی. در روستا، پیرمردی که همه او را دیوانه می‌دانند، هر روز یک ردیف کوچک را وجین می‌کند. کسی جدی‌اش نمی‌گیرد، اما بعد از مدتی، گل‌های آفتابگردانش از دور پیداست. توسعه همین است: کارهای کوچک و پیوسته، نه وعده‌های بزرگ و پُرسرو صدا. باید آدم‌ها به هم اعتماد کنند، همان‌طور که شاگرد نانوا هر صبح آرد را بی‌آنکه بسنجد، در کیسه‌های مشتری می‌ریزد. در این مسیر، نه معجزه‌ای هست، نه نمایش پُرررق و برق؛ فقط روزهایی که یکی پس از دیگری می‌آیند، و آدم‌هایی که بی‌هیاهو کارشان را درست انجام می‌دهند، تا روزی که همه بفهمند باغچه، خودش دارد نفس می‌کشد.

انعام واجب

نادر داودی

📷 naderdavoodi

ای جوانان وطن و اهل تدبیر و دانایی! شایسته است که چون قدم در مکان فرنگی‌مشرّب کافی‌شاپ نهید و از دسترنج کارکنان آن مکان فراغتی و فرحی حاصل آید، به رسم انصاف و ادای شکر، سکه‌ای چند به عنوان انعام بدیشان مرحمت فرمایید. این فعل، نه از سر تکلف، بلکه از برای رعایت مروّت و قدرشناسی است. چه آن که خدمت صادقانه را پاداشی باید، و مردمان اهل وجدان، این را نه منّت، بل فرض واجب دانند. پس ای جوان روشن‌ضمیر، انعام ده که گرهی از روزگار بگشایی.



کافه بینوز Beano's Café

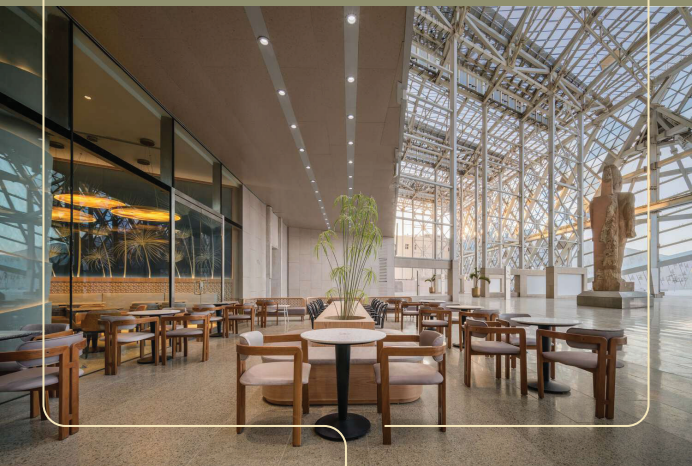
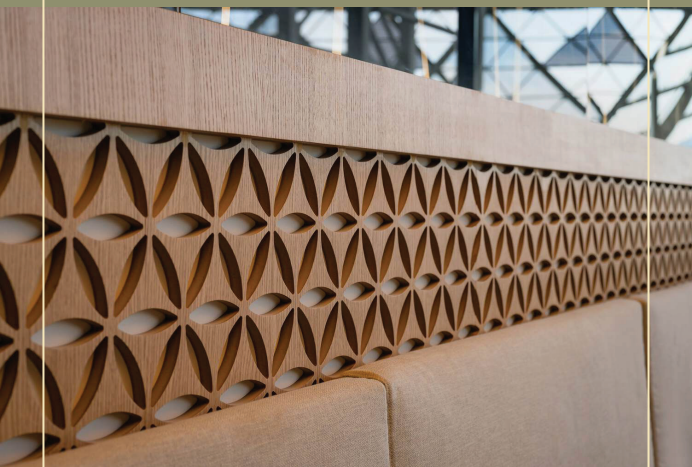
فرناز گسیلی

📷 farnazgosili



کافه بینوز یکی از کافه‌های محبوب در شهر تاریخی اسکندریه (مصر) است. این کافه با ترکیب عناصر طبیعی مانند چوب، گیاهان و نورپردازی گرم، فضایی صمیمی و آرامش‌بخش ایجاد کرده که هم برای جلسات دوستانه و هم برای کار و مطالعه مناسب است.

طراحی داخلی کافه بینوز با تضاد رنگ‌ها، ترکیب هنرمندانه‌ی عناصر مدرن و سنتی، فضایی منحصر به فرد خلق کرده است. طراحی داخلی بینوز شامل دیوارها با بافت‌های متنوع، از





آجرهای سنتی گرفته تا دیوارهای چوبی، میزها و صندلی‌هایی با طراحی ارگونومیک و جزئیات هنری مانند نقاشی‌های دیواری است که هویت بصری خاصی به فضا می‌بخشند. استفاده از

چوب در کف و مبلمان رنگارنگ، به فضا حسی گرم و دعوت‌کننده می‌دهد. یکی از ویژگی‌های جذاب این کافه، پنجره‌های بزرگ و نور طبیعی فراوان است که محیط را روشن و شاداب می‌کند. نورپردازی غیرمستقیم و استفاده از چراغ‌های مدرن، باعث ایجاد تعادل بصری در فضا شده است.



سو ختم و نسو ختم

محمد سعید میری

📷 @_msmiri



طراحان گرافیک معمولاً طعم تند را با تصویرهایی مثل آتش یا انفجار نشان می‌دهند. چرا؟ چون وقتی غذای تند می‌خوریم، احساس گرما می‌کنیم. گرما را هم قبلاً در کنار آتش تجربه کرده‌ایم. این می‌شود یک زنجیره‌ی تجربی که استعاری است: مفهومی (تندی) را با کمک مفهومی دیگر (گرما، سوختن، یا آتش) درک می‌کنیم. استعاره فقط در ادبیات نیست. ما خیلی وقت‌ها ناخودآگاه



HEINZ, THE ONLY REALLY HOT.

It's no wonder Heinz® Tomato Ketchup is the world's favorite. Only the firmest, juiciest, freshest tomatoes make it into our bottle. Every tomato in every bottle of Heinz® Ketchup comes from Heinz seeds and is grown by farmers we know and trust.



www.heinz.com

استعاره‌ی فکر می‌کنیم. همین پوستر هم که
تندی را با داغ‌بودن نشان داده، نمونه‌ای از
استعاره در طراحی بصری است.





کافہ رو

میلاد اکھگر

milad.akhgar



سال ۱۳۹۵،
«کافه‌رو» نه توی
پاساژ بود، نه ته
یه کوچه‌ی باصفا.
درست از توی
صندوق عقب
یه ۲۰۶، روبه‌روی
در اصلی خانه‌ی

هنرمندان سبز شده بود. یه کافه‌ی سیار که
بیشتر از اون‌که دنبال مجوز باشه، دنبال دل
مردم بود!

عکس این نوآوری کافه‌ای رو «بهنام صابر نعمتی»
تو اینستاگرامش گذاشته بود و زیرش نوشته بود:
«به نظرم این یکی از خفن‌ترین ایده‌هاییه که
دیدم! یه جور چای‌فروشی پشت‌وانتیه، فقط با
آپگرید اسپرسو و حس هنری!»

پی‌نوشت بانمکش هم این بود:
هزینه‌ی عکس گرفتن از «کافه‌رو» هزار تومان
بوده، که البته لطف کردن از من نگرفتن. لابد
دیدن قیافه‌م از خود کافه‌هنری‌تره!

حالا... کسی می‌دونه این کافه‌چی دل به دل کی
داد و الان کجاست؟ هنوز هم با ۲۰۶ش قهوه‌ی
ترک می‌زنه یا رفته سراغ ونِ فول‌سایز و موکا؟



معمار بی خط کش!

هومن جلالی

@hoomanio



فریدنریش هوندرت‌واسر، نقاش، معمار و فعال محیط‌زیستِ اتریشی آثار مهمی در تاریخ هنر مدرن پس از جنگ جهانی دوم خلق کرده است. او برای اولین بار به خاطر نقاشی‌های با رنگ‌های جسورانه‌اش به شهرت رسید، اما

بیشتر به خاطر طرح‌های معماری منحصر به فردش شناخته می‌شود. برای هوندرت‌واسر، بدبختی انسان نتیجه‌ی معماری منطقی، عقیم و یکنواخت بود.

او معتقد بود: «اگر انسان در میان طبیعت قدم می‌زند، مهمان طبیعت است و باید بیاموزد که مانند یک مهمان خوش‌ترتیب رفتار کند». هوندرت‌واسر در تعهد زیست‌محیطی







خود نوعی معماری هماهنگ با طبیعت را تبلیغ کرد.

ساختمان هوندترت و اسر هاوس در وین دارای طبقات موج است، سقفی پوشیده از خاک و چمن، و درختان بزرگی که از داخل اتاق‌ها رشد می‌کنند. او هیچ هزینه‌ای برای طراحی این بنا نگرفت و اعلام کرد که ارزش سرمایه‌گذاری برای «جلوگیری از ساخته شدن چیزی زشت» را دارد و گفت: می‌خواهم به مردم نشان بدهم، که ساختن بهشت روی زمین چقدر آسان است. از دیگر آثار مهم او، به ساختمان برج کوچلبائر در آلمان، کارگاه کیشوت در کالیفرنیا، کارخانه‌ی ماشیما در ژاپن، کانتس هاوس وین در اتریش اشاره کرد.

جغرافیای مکتب و خاطره

آهو شفیعی

 aahooshafiei



کافه، جایی است که زمان، مثل قهوه‌ی تلخ جا مانده روی میز، لایه‌لایه ته‌نشین می‌شود؛ جایی که مردی در گوشه‌ای سیگار را می‌مکد و فکرش هنوز در سال‌هایی می‌چرخد که باران، خیابان‌ها را شسته بود و صدای خنده‌ها از پنجره‌های نیمه‌باز می‌آمد. کافه‌نشینی، مکثی است در میانه‌ی این هجوم بی‌وقفه‌ی روزها، جایی که کلمات می‌توانند در هم گره بخورند و آدم‌ها، بی‌آن‌که بدانند، داستان همدیگر شوند. گاهی، آن‌که کنار میز تو نشسته، فقط سایه‌ای است که در حافظه‌ی کسی دیگر پرسه می‌زند، و بوی قهوه، همان طناب باریکی است که این همه خاطره را به هم می‌بندد. کافه‌ها می‌دانند که انسان، پیش از هر چیز، حیوانی است که در جست‌وجوی گوش شنوا می‌نشیند.

مریخی

حسین کریمزاده

📷 hosseinkarimzadeh.art





رونالدو لوئیز نازاریو د لیما، معروف به رونالدوی برزیلی، یکی از افسانه‌های ماندگار دنیای فوتبال است. او متولد ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۶ (۲۷ شهریور ۱۳۵۵) در ریودوژانیرو است و از نوجوانی با مهارت فوق‌العاده‌اش در دربی‌ل‌زنی و گل‌زنی، نگاه‌ها را به خود جذب کرد. رونالدو در تیم‌های بارسلونا، اینترمیلان، رئال مادرید و آث میلان بازی کرد و در هر کدام ردپایی از نبوغش بر جای گذاشت.



او دو بار عنوان بهترین بازیکن سال فیفا را در دهه ۹۰ میلادی به دست آورد و با تیم ملی برزیل قهرمان جام جهانی ۲۰۰۲ شد و همچنین دو بار قهرمانی کوپا آمریکا (۱۹۹۷ و ۱۹۹۹) و یکبار جام کنفدراسیون‌ها را به دست آورد. در رده‌ی



باشگاهی نیز با رئال مادرید ۲ بار به لالیگا رسید، با بارسلونا جام حذفی اسپانیا را برد و با اینتر قهرمان جام یوفا ۱۹۹۸ شد.

رونالدو با وجود مصدومیت‌های متعدد که مسیر حرفه‌ای‌اش را دشوار کرد، هر بار با قدرت بازمی‌گشت. تکنیک بالا، سرعت انفجاری و تمام‌کنندگی فوق‌العاده‌اش او را به مهاجمی کم‌نظیر تبدیل کرد. او در سال ۲۰۱۱ میلادی از فوتبال خداحافظی کرد.



نوشیدنی کهن

انوشه صادقی آزاد

 anooshehsa





یک پژوهش تازه که در نشریه‌ی *Frontiers in Aging Neuroscience* منتشر شده است نشان می‌دهد مصرف روزانه‌ی ۲ تا ۳ فنجان قهوه می‌تواند روند پیری مغز را کندتر کند. بر اساس نتایج این تحقیق، مغز افرادی که به‌طور منظم قهوه می‌نوشند، نزدیک به ۷ سال جوان‌تر از مغز کسانی است که از این نوشیدنی استفاده نمی‌کنند. پژوهشگران تأکید کرده‌اند که کافئین با کاهش التهاب مغزی و حمایت از عملکردهای شناختی مانند حافظه، توجه و سرعت پردازش

اطلاعات، نقش مهمی در حفظ سلامت ذهنی به‌ویژه در دوران سالمندی ایفا می‌کند. با این حال، متخصصان هشدار داده‌اند که مصرف بیش از حد قهوه می‌تواند به اضطراب و اختلال خواب منجر شود و در نتیجه فواید احتمالی آن را خنثی کند.

قهوه سفری طولانی از دشت‌های مرتفع اتیوپی تا سراسر جهان داشته است؛ سفری که نه‌تنها شیوه‌های اجتماعی و فرهنگی را دگرگون ساخت، بلکه به بستری برای شکوفایی اندیشه و تبادل ایده‌ها تبدیل شد. اکنون این مطالعه‌ی علمی، فصلی نو به تاریخ پرماجرای قهوه افزوده





و آن را به عنوان تقویت کننده و محافظ طبیعی مغز معرفی می کند.

جالب است بدانید واژه‌ی «قهوه» از ریشه‌ی عربی «قهاوا» گرفته شده که به معنای «شراب دانه» است؛ لقبی که بی دلیل نبوده، چرا که این نوشیدنی قرن ها الهام بخش اندیشمندان، هنرمندان و

جنبش‌های اجتماعی بوده است. هر فنجان قهوه تنها یک عادت روزمره نیست؛ بلکه می‌تواند نمادی از مراقبت از خود و توانمندسازی ذهن باشد. البته شرط اصلی بهره‌مندی از این فواید، رعایت تعادل است. مغز، همانند هر سازوکار پیچیده، تنها با سوخت مناسب و در حد متوازن بهترین عملکرد را خواهد داشت.



راوی خاموش فنجان‌ها

مجتبا رفیعی

📷 mojtabaa_rafiee

باریستا، نه فقط کسی که قهوه می‌ریزد، بلکه نگهبان لحظه‌های کوچک و پنهان آدم‌هاست. او پشت دستگاه برافش می‌ایستد، همان‌طور که ساعت‌سازی پیر پشت میز چوبی‌اش، و به صداها، بخارها، و لرزش‌های ظریف گوش می‌دهد. دانه‌های قهوه، برای او مثل کلمات یک زبان قدیمی‌اند که نسل به نسل در فنجان‌ها ترجمه می‌شوند. نگاهش گاهی به پنجره می‌رود، جایی که باران آرام روی شیشه می‌نشیند و رهگذران، بی‌خبر از گرمایی که او با دست‌هایش می‌سازد، عبور می‌کنند. باریستا می‌داند که هر فنجان داستانی دارد. عاشقی که دیر کرده، نویسنده‌ای که کلمه‌اش را گم کرده، مسافری که بلیتش را جا گذاشته. او این داستان‌ها را نمی‌نویسد، فقط آن‌ها را در بخار قهوه آزاد می‌کند.





شراب کهنه

دکتر محمدرضا چیت ساز

📷 m.r.chit



ناسوده و ناآرام، گشتی زدم میان نوشته‌های سال‌های دور، اما چیز دندان‌گیری که به درد احوالات کنونی بخورد نیافتم؛ با این حال در میان نوشته‌های پراکنده‌ی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۸، این یادداشت بامزه را پیدا کردم. میرزا آقاخان کرمانی، اندیشمند دوران ناصرالدین شاه قاجار، داستانی درباره‌ی امام جمعه‌ی تهران بیان کرده بدین شرح که امام جمعه به بیماری شدیدی گرفتار شد، دکتر تولوزان، پزشک ویژه‌ی ناصرالدین شاه را به بالین او آوردند. پس از معاینه‌ی دکتر، خوردن شراب کهنه تجویز کرد، امام جمعه گفت: اگر بخورم به جهنم خواهم رفت و دکتر گفت: اگر نخورید زودتر خواهید رفت!

حماسه‌ی جاودانه‌ی جو جو

تانیا کریمزاده

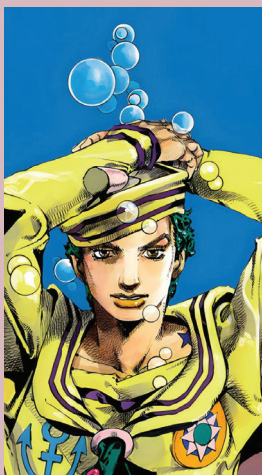
📷 taniartshop

JoJo's
BIZARRE
ADVENTURE



ماجرای جوی عجیب جوجو، یک مانگا و انیمه‌ی مشهور ژاپنی است که توسط «هیروهیکو آراکی» خلق شده و از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی آغاز شده است. این مجموعه در سبک‌های اکشن، ماوراءالطبیعه و فانتزی طبقه‌بندی می‌شود و ویژگی بارز آن، تمرکز هر فصل (یا «پارت») بر یکی از اعضای خانواده‌ای به نام «جوستار» است؛ شخصیتی که معمولاً لقب «جوجو» را یدک می‌کشد.

خط داستانی مجموعه، نسل‌های مختلف خانواده‌ی جوستار را دنبال می‌کند که هر یک درگیر نبردها و ماجراجویی‌هایی غیرعادی و گاه



خطرناک می‌شوند. روایت‌ها در دوره‌های زمانی و مکان‌های مختلف جهان اتفاق

می‌افتد و هر فصل، فضایی منحصر به فرد و سبک خاص خود را دارد.

عنصر اصلی مبارزات در جوجو، موجوداتی فراطبیعی به نام «استند» (Stand) هستند؛ تجلی‌هایی نامرئی با توانایی‌های ویژه که کاربران‌شان از آن‌ها در نبردهای فکری و فیزیکی بهره می‌برند. این مجموعه ترکیبی از درام، طنز، اکشن، طراحی‌های منحصر به فرد و ارجاع‌های متعدد به موسیقی و فرهنگ غربی است.

JoJo's Bizarre Adventure به‌خاطر شخصیت‌های ماندگارش شهرت یافته و



هر فصل، تجربه‌ای متفاوت و تازه را برای مخاطب رقم می‌زند. از میان شخصیت‌های محبوب، می‌توان به «جوتارو کوجو» از فصل سوم و «جایرو زیلی» از فصل هفتم اشاره کرد.

معرفی فصل‌ها:

- فصل ۱: جاناتان جوستار
- فصل ۲: جوزف جوستار
- فصل ۳: جوتارو کوجو
- فصل ۴: جوسکه هیگاشیکاتا
- فصل ۵: جورنو جووانا
- فصل ۶: جولین کوجو
- فصل ۷: جانی جوستار
- فصل ۸: گپی هیگاشیکاتا
- فصل ۹: جودیو جوستار



